

# امامان این امّت دوازده نفرند

علامه سیّد مرتضیٰ عسکری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ ۖ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ

او [ = پیامبر ] هرگز به خواهش دل سخن نمی گوید. سخنانش تنها از وحی الهی است.

نجم / ۳ و ۴

\*\*\*

وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقَاوِيلِ ۖ لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ ۖ ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ ۖ

و اگر چیزی را به دروغ به ما نسبت دهد. دست راستش را می گیریم. سپس رگ حیاتش را قطع

حاقه / ۴۴ - ۴۶

می کنیم.

از متن کتاب و سنت ابربرکرم  
عز و شرف گذشته از سربرکرم

«وحدت بر محور کتاب و سنت»

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَالسَّلَامُ عَلَى أَصْحَابِهِ  
الْبَرَرَةِ الْمَيَامِينِ.

ما مسلمانان یکپارچه، از درون و از راه مسائل اختلافی با خود به نزاع برخاستیم و دشمنان اسلام از  
برون و از راهی که ندانستیم، وحدت ما را به تفرقه و شوکت ما را به ضعف کشاندند تا از دفاع ناتوانمان  
کردند و بر ما چیرگی یافتند؛ درحالی که خدای سبحان فرموده است:

وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَ لَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَ تَذْهَبَ رِجْكُمْ  
خدا و پیامبرش را اطاعت کنید و با یکدیگر نزاع نکنید که ناتوان شوید و قدرت و شوکت شما برود!  
انفال / ۴۶

آری:

مَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَ يَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ  
هر مصیبتی به شما رسد دست آورد خودتان است و خداوند بسیاری را نیز، می بخشد! شوری / ۳۰  
پس شایسته آن است که امروز و هر روز، به «کتاب و سنت» بازگردیم و وحدت کلمه خود را بر  
محور «کتاب و سنت» باز یابیم که خدای متعال می فرماید:

فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ  
پس اگر در چیزی نزاع کردید [ حکم ] آن را به خدا و رسول باز گردانید. نساء / ۵۹  
ما نیز، در این سلسله از بحث ها به «کتاب و سنت» مراجعه کرده و ابزار روشنگر را همان در مسائل  
مورد اختلاف را از «کتاب و سنت» می گیریم تا - به اذن خدای متعال - وسیله وحدت کلمه و یکپارچگی  
دوباره مان گردد.

امیدوارم دانشمندان و اندیشمندان اسلامی نیز، در این میدان با ما همراهی نموده و دیدگاههای خود  
را برای ما ارسال دارند.  
سید مرتضی عسکری

## نص صریح پیامبر ﷺ بر تعداد امامان اهل بیت

حدیث عدد امامان:

رسول خدا ﷺ خبر داده است که، امامانی که بعد از او می آیند، دوازده نفرند. این موضوعی است که صاحبان کتب صحیح و مسند که نامشان در زیر می آید، از آن حضرت روایت کرده اند:

الف - مسلم در صحیح خود از جابر بن سمره روایت کند که گفت: شنیدم رسول خدا ﷺ می فرمود: «این دین همیشه، تا قیام قیامت و تا هنگامی که دوازده نفر خلیفه بر سر شما باشند، استوار و بر پاست. این خلفا همگی از قریش اند».

در روایت دیگری آمده است: «همیشه کار مردم رو براه است ...».

در دو روایت دیگر آمده است: «تا آنکه دوازده خلیفه بیایند ...»

در سنن ابوداود آمده است: «تا آنکه دوازده نفر خلیفه بر سر شما باشند».

در حدیث دیگری است که فرمودند: «تا پایان دوازده نفر»<sup>۱</sup>.

و در صحیح بخاری گوید: از پیامبر ﷺ شنیدم که می فرمود: «دوازده نفر امیر و فرمانده اند». راوی گوید: پیامبر ﷺ پس از آن سخنانی فرمود که من نفهمیدم، پدرم گفت: فرمود: «همگی آنان از قریش اند».

در روایت دیگری می گوید: سپس رسول خدا ﷺ سخنانی فرمود که بر من پوشیده ماند، از پدرم پرسیدم: رسول خدا ﷺ چه فرمود؟ پدرم گفت: فرمود: «همگی آنان از قریش اند»<sup>۲</sup>.

در روایت دیگری است که فرمود: «دشمنی کسانی که با آنان دشمنی کنند، زیانی به ایشان نمی رساند»<sup>۳</sup>.

ب - در روایت دیگری است که رسول خدا فرمود:

«لَا تَزَالُ هَذِهِ الْأُمَّةُ مُسْتَقِيمًا أُمَّرُهَا، ظَاهِرَةٌ عَلَى عَدُوِّهَا، حَتَّى يَمْضِيَ مِنْهُمْ إِثْنَا عَشَرَ خَلِيفَةً كُلُّهُمْ

۱ - صحیح مسلم، جلد ۳ ص ۱۴۵۳، حدیث ۱۸۲۱، این روایت را از آنرو برگزیدیم که جابر خود آن را نوشته است. صحیح بخاری، جلد ۴ ص ۱۶۵، کتاب الاحکام. سنن ترمذی، باب: ما جاء فی الخلفاء من ابواب الفتن. سنن ابوداود، جلد ۳ ص ۱۰۶، کتاب المهدی. مسند طیالسی، حدیث ۷۶۷ و ۱۲۷۸. مسند احمد جلد ۵ ص ۸۶، ۹۰، ۹۲، ۱۰۱، ۱۰۶، ۱۰۸. کنز العمال، جلد ۱۳ ص ۲۶ و ۲۷. حلیة الاولیاء ابونعیم، جلد ۴ ص ۳۳۳.

جابر بن سمره بن عامری خواهرزاده سعد بن ابی وقاص است که بعد از سال هفتاد هجری در کوفه وفات کرد. صاحبان کتب صحیح ۱۶۴ حدیث از او روایت کرده اند. شرح حال او در کتابهای «اسد الغابة، تقریب التهذیب و جوامع السیره ص ۲۷۷» آمده است.

۲ - فتح الباری، جلد ۱۶ ص ۳۳۸. مستدرک الصحیحین، جلد ۳ ص ۶۱۷.

۳ - فتح الباری جلد ۱۶ ص ۳۳۸.

مِنْ قُرَيْشٍ، ثُمَّ يَكُونُ الْمَرْجُ أَوْ الْهَرَجُ»

کار این امت همیشه به سامان است و پیوسته بر دشمنانشان پیروزند تا آنگاه که دوازده نفر خلیفه، همگی از قریش، در گذرند. پس از آن فساد و خرابی یافتنه و آشوب خواهد بود.<sup>۱</sup>

ج- در روایت دیگری آمده است که فرمود:

«این امت دوازده نفر قیّم دارد که هرکس آنان را یاری نکند، زبانی به ایشان نرساند، همگی آنان از قریش اند.»<sup>۲</sup>

د- در روایت دیگری فرمود:

«کار این مردم تا هنگامی که دوازده مرد بر آنان ولایت داشته باشند، همواره در جریان است.»<sup>۳</sup>

ه- از قول انس روایت کنند که آن حضرت فرمود:

«این دین تا دوازده نفر از قریش باشند، به هیچ روی نابود نگردد؛ و چون از دنیا بروند، زمین نیز، اهل خود را فرو می برد.»<sup>۴</sup>

و- در روایت دیگری فرمود:

«کار این است، تا هنگامی که همه آن دوازده نفر قیام کنند، همیشه قرین پیروزی است. آنان همگی از قریش اند.»<sup>۵</sup>

ز- احمد بن حنبل و حاکم و دیگران از مسروق روایت کنند که گفت: شبی نزد عبدالله بن مسعود نشسته بودیم و او قرآن به ما می آموخت که مردی پرسید: ای اباعبدالرحمان! آیا از رسول خدا پرسیدید چه تعداد از این امت به خلافت می رسند؟ عبدالله گفت: از هنگامی که به عراق آمده ام، هیچ کس پیش از تو، چنین سؤالی از من نکرده است. بعد گفت: ما این موضوع را [ از رسول خدا ﷺ ] پرسیدیم و آن حضرت فرمود: «آنان دوازده نفرند، به تعداد نقبای بنی اسرائیل.»<sup>۶</sup>

ح- در روایت دیگری ابن مسعود گوید: رسول خدا ﷺ فرمود:

«خلفای بعد از من به تعدا اصحاب موسی هستند.»<sup>۷</sup>

۱ - منتخب کنز العمال، جلد ۵ ص ۳۲۱. تاریخ ابن کثیر، جلد ۶ ص ۲۴۹. تاریخ الخلفاء، سیوطی، ص ۱۰. کنز العمال، جلد ۱۳ ص ۲۶. الصواعق المحرقة، ص ۲۸.

۲ - کنز العمال، جلد ۱۳ ص ۲۷ و منتخب آن، جلد ۵ ص ۳۱۲.

۳ - شرح صحیح مسلم، نووی، جلد ۱۲ ص ۲۰۲. الصواعق المحرقة، ص ۱۸. تاریخ الخلفاء، سیوطی، ص ۱۰.

۴ - کنز العمال، جلد ۱۳ ص ۲۷.

۵ - کنز العمال، جلد ۱۳ ص ۲۷.

۶ - مسند احمد، جلد ۱ ص ۳۹۸ و ۴۰۶. احمد شاکر در حاشیه اول (= ۳۹۸) گوید: اسناد آن صحیح است. مستدرک حاکم و تلخیص آن، جلد ۴ ص ۵۰۱. فتح الباری، جلد ۱۶ ص ۳۳۹. مجمع الزوائد، جلد ۵ ص ۱۹۰. الصواعق المحرقة، ابن حجر، ص ۱۲. تاریخ الخلفاء، سیوطی، ص ۱۰. جامع الصیفر، سیوطی، جلد ۱ ص ۷۵. کنز العمال، متقی، جلد ۱۳ ص ۲۷ گوید: طبرانی و نعیم بن حماد نیز آن را در فتن آورده اند. فیض القدیر، جلد ۲ ص ۴۵۸. تاریخ ابن کثیر، جلد ۶ ص ۲۴۸ - ۲۵۰. در باب: ذکر الأئمة الإثني عشر الذين كلهم من قریش، از ابن مسعود.

۷ - تاریخ ابن کثیر، جلد ۶ ص ۲۴۸. کنز العمال، جلد ۱۳ ص ۲۷. شواهد التنزیل حسکانی، جلد ۱ ص ۴۵۵ حدیث ۶۲۶.

ابن اثیر گوید: همانند این از عبدالله بن عمر و حذیفه و ابن عباس نیز، روایت شده است.<sup>۱</sup>  
مؤلف گوید: نمی‌دانم مقصود ابن‌کثیر از روایت ابن‌عباس، همان است که حاکم حسکانی از  
ابن‌عباس روایت کرده یا غیر آن است.

روایات گذشته صریحاً می‌گوید: «عدد والیان دوازده نفر و همگی از قریش‌اند». و امام علی علیه السلام در  
سخن خود مقصود از «قریش» در این روایات را بیان کرده و می‌فرماید:

«همه امامان از قریش‌اند و در این تیره از هاشم [= اهل‌البیت علیهم السلام] جایگزین شده‌اند، [ولایت]  
برای غیر آنان روا نیست و والیان جز ایشان شایسته [ولایت] نباشند».<sup>۲</sup> و نیز فرمود:

اللَّهُمَّ بَلَى لَا تَخْلُوا الْأَرْضَ مِنْ قَائِمٍ لِلَّهِ بِحُجَّةٍ إِلَّا ظَاهِرًا مَشْهُورًا أَوْ خَائِفًا مَعْمُورًا لِيَلَّا تَبْطُلَ  
حُجَّةُ اللَّهِ وَبَيِّنَاتِهِ ...

خداوند! آری، زمین هرگز از قیام‌کننده به حق برای خدا خالی نخواهد شد، [این امام قائم،] یا  
پیروز است و نمایان و یا خائف است و پنهان، تا حجت‌های خدا و نشانه‌های روشن الهی نابود نگردد.<sup>۳</sup>

### امامان دوازده‌گانه در تورات

ابن‌کثیر گوید: در توراتی که در دست اهل‌کتاب است موضوعی آمده که معنای آن چنین است:  
«خداوند متعال ابراهیم علیه السلام را به وجود اسماعیل علیه السلام بشارت داد و فرمود: اسماعیل را زیادتی بخشم  
و نسل او را گسترده گردانم و در بین آنان دوازده نفر را از بزرگان و فرزندان قرار دهم».  
و گوید:

«ابن‌تیمیه گوید: اینان که به وجودشان بشارت داده شده، همان است که در حدیث جابر بن سمره  
آمده و مقرر گردیده تا در میان امت پراکنده باشند، و اینکه قیامت برپا نگردد مگر آنکه موجود شده  
باشند، و بسیاری از یهودیانی که به اسلام مشرف شده‌اند، اشتباه کرده و پنداشته‌اند آنان همان کسانی‌اند  
که فرقه را فضه [= شیعیان دوازده امامی] به سوی آنان دعوت کرده و از ایشان پیروی می‌کنند».<sup>۴</sup>

مؤلف گوید: بشارت مورد اشاره در «سفر پیدایش» توراتِ امروزی، باب: [۱۷ - شماره ۱۸ - ۲۰]  
اصل عبری چنین است:

«قی لیشماعیل بیرختی أوتو قی هفریتی أوتو

قی هزبیتی بمئود شنیم عَسار نسیئیم یولید

قی نتتیف لگوي گدول».<sup>۵</sup>

۱ - ابن‌کثیر، جلد ۶ ص ۲۴۸.

۲ - نهج‌البلاغه، خطبه ۱۴۲.

۳ - ینابیع‌المودة، شیخ سلیمان حنفی در باب صدم، ص ۵۲۳. احیاء علوم‌الدین، غزالی، جلد ۱ ص ۴. حلیة‌الاولیاء، جلد ۱  
ص ۸۰ فشرده.

۴ - تاریخ ابن‌کثیر، جلد ۶ ص ۲۴۹ و ۲۵۰.

۵ - عهد قدیم، سفر التکرین، باب ۱۷ شماره ۲۰، ص ۲۲ و ۲۳.

ترجمه: اسماعیل را مبارک ساخته و جداً او را بهره‌مند و پر بار و کثیر و گسترده گردانم، دوازده عدد امام از او پدید آید و او را به امت بزرگ و عظیمی تبدیل خواهم کرد.

این بخش از تورات اشاره به آن دارد که، مبارکی و پرباری و کثرت افراد تنها در نسل اسماعیل عَلَيْهِ السَّلَامُ است.

واژه «شَنِيم عَسار» یعنی: دوازده نفر، که لفظ «عَسار» در اعداد ترکیبی که معدود آن مذکر باشد، می‌آید<sup>۱</sup> و معدود در اینجا «نسیئیم» و مذکر است و با اضافه شدن «یم» در آخر آن معنای جمع می‌دهد. مفرد آن «ناسی» یعنی: امام و پیشوا و رئیس است.<sup>۲</sup>

و اما سخن خداوند به ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَامُ در همان بخش نیز، یعنی عبارت «فی نتیف لگوی گدول»، واژه «فی نتیف» مرکب است از «فی» که حرف عطف است، و «ناتن» که فعل است و به معنای: قرار می‌دهم، و «یف» که ضمیر است و در آخر فعل آمده به اسماعیل عَلَيْهِ السَّلَامُ باز می‌گردد، یعنی: او را [چنین] قرار می‌دهم.<sup>۳</sup> و اما لفظ «گوی» به معنای امت و مردم است،<sup>۴</sup> و «گدول» به معنای «کبیر و عظیم»<sup>۵</sup> و تمام جمله یعنی: «او را امت کبیر و بزرگی گردانم».

از مجموع این فقره روشن می‌گردد که مقصود از «کثرت و برکت» در نسل اسماعیل عَلَيْهِ السَّلَامُ دقیقاً رسول خدا محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و اهل بیت آن حضرت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ می‌باشند، و آنانند که دنباله و امتداد نسل اسماعیل عَلَيْهِ السَّلَامُ هستند. زیرا، خداوند متعال به ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: از سرزمین «نمرود» خارج شده و به «شام» برو. آن حضرت نیز، همراه با همسرش «ساره» و «لوط» به فرمان خدا هجرت کردند و در سرزمین فلسطین فرود آمدند.

خداوند متعال ثروت ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَامُ را بسیار فزونی بخشید. ابراهیم گفت: «خداوند من با این مال بدون اولاد چه کنم؟» خدای متعال به او وحی کرد: «من فرزندان تو را به قدری کثیر و بسیار گردانم که به تعداد ستارگان باشند» در آن زمان «هاجر» کنیزک «ساره» بود و او را به ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَامُ بخشید، هاجر از ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَامُ باردار شد و اسماعیل عَلَيْهِ السَّلَامُ را برای او به دنیا آورد. سن ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَامُ در آن حال ۸۶ سال بود.<sup>۶</sup>

قرآن کریم در ضمن دعای ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَامُ و درخواست او از خدای متعال، به این حقیقت روشن اشاره کرده و می‌فرماید: ابراهیم گفت:

رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ دَرِّيْتِي بَوَادٍ غَيْرِ ذِي رِزْقٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ ۝ پروردگارا! من برخی از ذریه خود را در بیابانی خشک، در کنار خانه محترم تو جای دادم تا نماز را به پای دارند. پروردگارا! دلهایی از

۱ - المعجم الحديث، عبری - عربی، ص ۳۱۶.

۲ - همان مصدر، ص ۳۶۰.

۳ - همان مصدر، ص ۸۴ و ۳۱۷.

۴ - المعجم الحديث، عبری - عربی، ص ۸۴ و ۳۱۷.

۵ - همان مصدر.

۶ - تاریخ یعقوبی، جلد ۱ ص ۲۴ و ۲۵، نشر مؤسسه نشر فرهنگ اهل البیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، قم.

مردمان را به سوی آنان بگردان و آنان را از ثمرات روزی ده باشد که سپاس گویند.

ابراهیم / ۳۷

این آیه کریمه تأکید می‌کند که ابراهیم علیه السلام برخی از ذریه و نسل خود را که اسماعیل و فرزندان متولد او در مکه بودند، در کنار خانه خدا جای داد و از خدای متعال درخواست کرد تا رحمت و هدایت بشر در طول تاریخ را بر عهده ذریه و فرزندان او قرار دهد، خداوند نیز دعوتش را پذیرفته و آن را در نسل او، محمد صلی الله علیه و آله و سلم و دوازده امام علیهم السلام قرار داده است.

امام باقر علیه السلام در این باره فرموده است:

نَحْنُ بَقِيَّةُ تِلْكَ الْعِزَّةِ وَ كَانَتْ دَعْوَةُ إِبْرَاهِيمَ لَنَا  
مائمه بقیه آن [ ذریه و ] عترت و دعای ابراهیم علیه السلام برای ما بود.<sup>۱</sup>

فشردهٔ احادیث گذشته

خلاصه آنچه که گذشت و نتیجه آن این می‌شود که: «تعداد امامان در این امت دوازده نفر پی در پی هستند، و پس از دوازدهمین امام، عمر این دنیا پایان می‌گیرد».

در حدیث اول آمده بود:

«این دین تا قیام قیامت و تا هنگامی که دوازده خلیفه بر سر شما باشند، استوار و برپا خواهد بود...»  
این حدیث، مدّت برپا بودن این دین را تعیین، و آن را به برپایی قیامت محدود ساخته و تعداد امامان این امت را دوازده نفر دانسته است.

در حدیث پنجم آمده بود:

«این دین پیوسته تا زمانی که دوازده نفر از قریش موجود باشند استوار و برپاست، و هنگامی که درگذرند، زمین اهل خود را فرو می‌برد».

این حدیث نیز، وجود و بقای دین را تا پایان عمر امامان دوازده گانه تأیید کرده و پایان عمر آنان را پایان دنیا می‌داند.

در حدیث هشتم نیز، عدد امامان علیهم السلام را تنها دوازده نفر دانسته و فرموده:

«خلفای پس از من به تعداد اصحاب موسی هستند».

این حدیث دلالت بر آن دارد که بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به جز خلفای دوازده گانه، خلیفه دیگری نخواهد بود.

الفاظ این روایات که با صراحت می‌گویند: «عدد خلفا تنها دوازده نفر است و بعد از آنان هرج و مرج و نابودی زمین و برپایی قیامت است» دیگر الفاظی را که چنین صراحتی از آنها دانسته نمی‌شود، بیان و تبیین می‌کند.

بنابراین، لازم است عمر یکی از امامان دوازده گانه، بر خلاف عمر عادی انسانها، طولانی و

۱ - آنچه در اصل عبری تورات و تعلیقه آن آمده، آن را از مقاله استاد احمد الواسطی در مجله «التوحید» نشریه سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، شماره ۵۴ [ ص ۱۲۷ و ۱۲۸ ] نقل کردیم.



خارق العاده باشد. چنانکه اکنون واقع شده و دوازدهمین امام از «ائمه اثنی عشر» و اوصیای رسول خدا ﷺ بدین گونه است.

حیرت علما در تفسیر این حدیث

دانشمندان مکتب خلفا در بیان مقصود از «امامان دوازده گانه» که در این روایت آمده است، دچار حیرت و زحمت شده و دیدگاههای متفاوتی ارائه داده‌اند.

ابن عربی شارح «سنن ترمذی» گوید:

«ما امیران بعد از رسول خدا ﷺ را که بر شمردیم دیدیم: ابوبکر، عمر، عثمان، علی، حسن، معاویه، یزید، معاویه بن یزید، مروان، عبدالملک مروان، ولید، سلیمان، عمر بن عبدالعزیز، یزید بن عبدالملک، مروان بن محمد بن مروان، سفاح و ... هستند».

او پس از آن بیست و هفت نفر از خلفای عباسی تا عصر خود را بر شمرده و گوید:

«اگر از مجموع آنها «دوازده نفر» را به صورت ظاهر شماره کنیم آخرین آنها «سلیمان» بن عبدالملک است، و اگر به معنای واقعی خلیفه نظر داشته باشیم، تنها پنج نفر برای ما باقی می ماند: خلفای چهارگانه و عمر بن عبدالعزیز. بنابراین، من معنایی برای این حدیث نمی یابم».<sup>۱</sup>

قاضی عیاش در جواب این سخن که می گوید: بیش از این تعداد [ = دوازده نفر ] به ولایت رسیدند، گفته است: «این اعتراضی نادرست است. زیرا، پیامبر ﷺ نفرموده است تنها دوازده نفر به ولایت می رسند. البته این تعداد به ولایت رسیده‌اند و این مطلب از اضافه شدن بر تعداد آنها منع نمی کند».<sup>۲</sup>

«سیوطی» در جواب آن سخنی را نقل کرده که گوید:

«مراد حدیث، وجود «دوازده نفر خلیفه» در طول دوران اسلام تا قیامت است که عامل بر حق باشند، اگر چه پی در پی نباشند».<sup>۳</sup>

در فتح الباری گوید:

«یقیناً از این تعداد [ = دوازده نفر ] خلفای چهارگانه در گذشته‌اند، و بقیه نیز، بناچار باید تا پیش از برپایی قیامت، تکمیل گردد».<sup>۴</sup>

ابن جوزی گوید:

«بنابراین، آنجا که فرموده: «سپس فتنه و آشوب خواهد بود»، مراد فتنه‌های پیش از برپایی قیامت مانند: خروج دجال و بعد آن می باشد».<sup>۵</sup>

سیوطی گوید: «از این «دوازده نفر» خلفای چهارگانه و حسن و معاویه و عبدالله بن زبیر و عمر بن

۱ - شرح ابن عربی بر سنن ترمذی، جلد ۹ ص ۶۸ و ۶۹.

۲ - شرح نووی بر صحیح مسلم، جلد ۱۲ ص ۲۰۱ و ۲۰۲. فتح الباری، جلد ۱۶ ص ۳۳۹. عبارت متن از اوست، در ص ۳۴۱ نیز آنرا آورده است.

۳ - تاریخ الخلفاء سیوطی، ص ۱۲.

۴ - فتح الباری، جلد ۶ ص ۳۴۱. تاریخ الخلفاء، ص ۱۲.

۵ - فتح الباری، جلد ۶ ص ۳۴۱. تاریخ الخلفاء، ص ۱۲.

عبدالعزیز، این هشت نفر، روی کار آمده‌اند و احتمال اینکه مهدی عباسی را هم به آنان اضافه کنیم - که او در بین عباسیان همانند عمر بن عبدالعزیز در میان امویان است - و نیز، طاهر عباسی را به خاطر عدالت خواهی‌اش، باز هم دو نفر باقی و مورد انتظار است که یکی از آنان «مهدی» آل محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از اهل البیت خواهد بود.<sup>۱</sup>

و نیز، گفته شده:

«مراد حدیث آن است که، آن «دوازده نفر» در دوران عزّت خلافت و قوت اسلام و استواری امور آن باشند، از کسانی که در زمان وی، اسلام عزیز گشته و همه مسلمانان پیرامون او گرد آیند».<sup>۲</sup>

بیهقی گوید: «این تعداد [= دوازده نفر] تا زمان ولید بن یزید بن عبدالملک روی کار آمدند، سپس فتنه و آشوب بزرگ برپا شد و پس از آن حکومت عباسیان غالب آمد، و اینکه بر عدد مذکور می‌افزایند بدان خاطر است که صفت مورد اشاره در حدیث را رها کرده یا کسانی را که بعد از فتنه مذکور آمده‌اند از آنان شمرده‌اند».<sup>۳</sup>

و نیز گفته‌اند:

«کسانی که امت بر آنان اجتماع کرده‌اند: خلفای ثلاثه و سپس علی تا زمان حکمیت در صفین که معاویه را در آن روز خلیفه نامیدند. سپس با صلح حسن بر معاویه اجتماع کردند و پس از او بر پسرش یزید. حسین هم که پیش از رسیدن به خلافت کشته شد. با مرگ یزید اختلاف کردند تا آنکه پس از کشته شدن ابن زبیر، بر عبدالملک مروان اجتماع نمودند و سپس بر فرزندان چهارگانه او: ولید و سلیمان و یزید و هشام که در این جمع عمر بن عبدالعزیز میان سلیمان و یزید فاصله شد و دوازدهمین آنان ولید بن یزید بن عبدالملک بود که مردم پس از هشام بر او اجتماع کردند و او چهار سال حکومت کرد».<sup>۴</sup>

بنابراین، خلافت این دوازده نفر به خاطر اجتماع مسلمانان بر آنها صحیح است، و پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مسلمانان را به خلافت و جانشینی اینان از خودش - در حمل و انتقال اسلام به مردم - بشارت داده است!

«ابن حجر» درباره این توجیه گوید: «این بهترین توجیه است».

و ابن کثیر گوید:

«راهی را که بیهقی پیموده و عده‌ای با وی موافقت کرده‌اند، یعنی اینکه، مراد حدیث خلفای پی در پی تا زمان ولید بن یزید بن عبدالملک فاسق می‌باشد، ولیدی که در گذشته در مذمت او سخن گفتیم، راهی غیر مقبول است. زیرا، خلفای مورد اشاره تا زمان این ولید، بیش از «دوازده نفرند، دلیل آن این است که: خلافت ابوبکر و عمر و عثمان و علی مسلم است ... پس از آنان حسن بن علی است چنانکه

۱ - الصواعق المحرقة، ص ۱۹ و تاریخ الخلفاء، سیوطی، ص ۱۲. بنابراین، برای پیروان مکتب خلفا دو امام منتظر خواهد بود که یکی از آنان مهدی عَلَيْهِ السَّلَام است در حالی که پیروان مکتب اهل البیت عَلَيْهِمُ السَّلَام تنها یک امام منتظر دارند.

۲ - نووی در شرح صحیح مسلم، جلد ۱۲ ص ۲۰۲ و ۲۰۳ به این موضوع اشاره کرده و ابن حجر در «فتح الباری» جلد ۱۶ ص ۳۳۸ - ۳۴۱ و سیوطی در تاریخ الخلفاء ص ۱۰، آن را آورده‌اند.

۳ - تاریخ ابن کثیر، جلد ۶ ص ۲۴۹ به نقل از بیهقی.

۴ - تاریخ الخلفاء، ص ۱۱. الصواعق المحرقة، ص ۱۹. فتح الباری، جلد ۱۶ ص ۳۴۱.

واقع شد و علی او را وصی خود قرار داد و مردم عراق با او بیعت کردند... تا آنکه او و معاویه صلح کردند. سپس پسر معاویه یزید و بعد، پسر یزید معاویة بن یزید و سپس مروان بن حکم و بعد پسرش عبدالملک مروان و ولید بن عبدالملک، سپس سلیمان بن عبدالملک، و بعد عمر بن عبدالعزیز و پس از وی یزید بن عبدالملک و بعد هشام بن عبدالملک، که جمع آنها پانزده نفر می شود و سپس ولید بن یزید بن عبدالملک، و اگر حکومت ابن زبیر پیش از عبدالملک را نیز به حساب آوریم، می شوند شانزده نفر، و با این حساب، یزید بن معاویه جزء آن دوازده نفر شده و عمر بن عبدالعزیز که همه پیشوایان بر مدح و سپاس او متفق القولند، و او را از خلفای راشدین به شمار آورده و همه مردم بر عدالت او اتفاق نظر دارند، و دوران او از بهترین دوره ها بوده و حتی شیعیان نیز بدان اعتراف دارند، از جمع «دوازده نفر» خارج می گردد.

و اگر بگویید: من تنها کسانی را به حساب می آورم که امت بر آنان اجتماع کرده باشند، لازمه اش آن است که «علی بن ابی طالب» و فرزندش به حساب نیایند، زیرا همه مردم بر آن دو اجتماع نکردند، دلایل آن که مردم شام، همگی، از بیعت با او سر باز زدند.

و نیز گوید: «برخی توجیه کنندگان، معاویه و پسرش یزید و نوه اش معاویة بن یزید را به شمار آورده، و زمان مروان و ابن زبیر را قید نکرده اند، زیرا امت بر هیچ یک از آنها اجتماع نکرده اند».

بنابراین دیدگاه نیز، می گوئیم: «در این مسلک خلفای سه گانه سپس معاویه و بعد یزید و سپس عبدالملک و بعد ولید بن سلیمان و سپس عمر بن عبدالعزیز و بعد یزید و بعد هشام به شمار آیند که جمعاً ده نفرند و بعد از آنها ولید بن یزید بن عبدالملک فاسق است که لازمه این دیدگاه نیز، اخراج علی و پسرش حسن خواهد بود، و این دقیقاً بر خلاف آنی است که امامان اهل سنت و بلکه شیعه بر آن تصریح کرده اند»<sup>۱</sup>.

ابن جوزی در کتاب «کشف المشکل» در جواب از این توجیهاات دو وجه دیگر را نقل کرده که گویند:

اول - «پیامبر ﷺ در حدیث خویش اشاره به حوادث بعد از خود و اصحاب خود ندارند، و چون حکم اصحاب با حکم آن حضرت پیوسته و مرتبط است، نتیجه می گیریم که خبر از حکومت های واقع شده پس از صحابه است. و چنان می نماید که با بیان خود اشاره به عدد خلفای بنی امیه دارد، و گویا سخن آن حضرت: «لا یزال الدین» یعنی: ولایت تا آنجا که دوازده خلیفه به حکومت رسند، سپس اوضاع به حالت دیگری، بدتر از حال اول، برمی گردد. با این حساب، اولین خلیفه بنی امیه یزید بن معاویه و آخرینشان مروان حمار است که تعدادشان «سیزده نفر» می باشد، و عثمان و معاویه و ابن زبیر به شمار نیایند، زیرا آنها از صحابه اند. و اگر مروان بن حکم را نیز - به دلیل اختلاف در صحابی بودن یا مغلوبیتش در برابر عبدالله بن زبیر و اجتماع مردم بر عبدالله - از جمع مذکور خارج کنیم، «عدد دوازده» راست می آید. و پس از خروج خلافت از دست بنی امیه نیز، فتنه های عظیم و خونریزی های بسیار واقع

۱ - تاریخ ابن کثیر، جلد ۶ ص ۲۴۹ و ۲۵۰.

شد تا آنکه دولت بنی عباس مستقر گردید و اوضاع از آنچه بر آن بود، کاملاً متغیر و دگرگون شد.<sup>۱</sup> ابن حجر در «فتح الباری» این استدلال را مردود دانسته است. دوم - ابن جوزی «وجه دوم» را از جزوه‌ای که «ابوالحسین بن منادی» درباره «مهدی» گرد آورده نقل کرده که گوید:

«ممکن است این موضوع مربوط به بعد از مهدی‌ای باشد که در آخرالزمان خروج می‌کند. زیرا، من در کتاب «دانیال» دیده‌ام که: «هنگامی که مهدی وفات کند، پنج تن از نوادگان «سبط اکبر» به حکومت می‌رسند، سپس پنج تن از نوادگان «سبط اصغر»، پس از آن آخرینشان مردی از سبط اکبر را وصی خود می‌کند، بعد از او پسرش به حکومت می‌رسد و بدین ترتیب «دوازده نفر» حاکم می‌شوند که هر یک از آنان امام و مهدی هستند». گوید: در روایت دیگری است «... پس از او دوازده نفر مرد: شش تن از اولاد حسن، و پنج تن از اولاد حسین، و یک نفر از غیر ایشان به حکومت می‌رسند و چون فرد اخیر می‌میرد فساد عالم‌گیر می‌شود».

ابن حجر در صواعق خود بر این حدیث حاشیه زده و گوید:  
«این روایت، یقیناً روایتی واهی است و اعتمادی بر آن نیست!<sup>۲</sup>»  
گروه دیگری گویند:

«ظن غالب آن است که آن حضرت علیه‌الصلاة والسلام، در این حدیث، از عجایب بعد از خود خبر داده، فتنه‌هایی که مردم را در یک زمان متفرق کرده و تحت فرمان «دوازده» امیر می‌کشاند. و اگر غیر این را اراده کرده بود می‌فرمود: «دوازده امیرند که چنین می‌کنند» و چون چنین وصفی برای آنها بیان نکرده اینگونه می‌فهمیم که اینان در زمان واحد خواهند بود...<sup>۳</sup>».

گفته‌اند: در قرن پنجم هجری تنها در «اندلس» واقعه‌ای رخ داد که شش نفر همگی خود را «خلیفه» می‌نامیدند، اضافه بر آنها، حاکم مصر، خلیفه عباسی بغداد و دیگر مدعیان خلافت، از علویان و خوارج نیز، مدعی خلافت بودند.<sup>۴</sup>

ابن حجر درباره این توجیه گوید:

«این سخن کسی است که به چیزی از طرق حدیث - جز آنچه که به نحو فشرده در «بخاری» آمده - آگاهی نداشته است». <sup>۵</sup> و نیز گوید:

«وجود آنان در زمان واحد، عین پراکندگی و افتراق است و نمی‌تواند مراد حدیث باشد». <sup>۶</sup>  
مؤلف گوید:

۱ - فتح الباری، جلد ۱۶ ص ۳۴۰ به نقل از ابن جوزی در کتاب «کشف المشکل».

۲ - فتح الباری، جلد ۱۶ ص ۳۴۱. الصواعق المحرقة، ص ۱۹.

۳ - فتح الباری، جلد ۱۶ ص ۳۳۸.

۴ - شرح نووی، جلد ۱۲ ص ۲۰۲. فتح الباری، جلد ۱۶ ص ۳۳۹.

۵ - فتح الباری، جلد ۱۶ ص ۳۳۸.

۶ - فتح الباری، جلد ۱۶ ص ۳۳۹.

بدینگونه، علمای مکتب خلفا در تفسیر روایات گذشته، به دیدگاه واحدی نرسیدند. علاوه بر آن، از آوردن روایاتی که رسول خدا ﷺ اسامی آن دوازده نفر را بیان فرموده نیز، اغماض و اهمال کرده‌اند. زیرا، با سیاست حاکم بر مکتب خلفا در طی قرون متمادی در تخالف و تضاد بوده است. این روایات را محدثان مکتب اهل البیت علیهم‌السلام در تألیفات خود با اسنادی که به نیکان صحابه می‌رسد، از رسول خدا ﷺ روایت کرده‌اند. و ما در بخش آینده به آوردن اندکی از آنها که هر دو گروه در کتب خود آورده‌اند بسنده می‌کنیم.

### اسامی دوازده نفر در مکتب خلفا

الف - امام جوینی<sup>۱</sup> از عبدالله بن عباس روایت کند که گفت: رسول خدا ﷺ فرمود: «أَنَا سَيِّدُ النَّبِيِّينَ وَ عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ سَيِّدُ الْوَصِيِّينَ، وَإِنَّ أَوْصِيَاءِي بَعْدِي إِثْنَا عَشَرَ، وَأَوْلَهُمْ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَ آخِرُهُمُ الْمَهْدِيُّ»  
«من آقای پیامبران و علی بن ابی طالب آقای اوصیاست، همانا اوصیای پس از من «دوازده» نفرند، اولینشان علی بن ابی طالب و آخرینشان مهدی است».

ب - امام جوینی باز هم به سند خود از ابن عباس روایت کند که گفت: رسول خدا ﷺ فرمود: «همانا خلفای من و اوصیایم و حجت‌های خدا بر مردم پس از من «دوازده» نفرند، اولینشان برادرم و آخرینشان فرزندم خواهد بود». گفته شد: ای رسول خدا! برادر شما کیست؟ فرمود: «علی بن ابی طالب». گفته شد: فرزند شما کیست؟ فرمود: «آن مهدی است. کسی که زمین را پر از عدل و داد می‌کند همان‌گونه که از ظلم و ستم انباشته شده است. قسم به آن که مرا بشارتگر و بیم‌دهنده بر حق فرستاده، اگر از دنیا باقی نماند مگر یک روز، خداوند این روز را آنقدر طولانی کند تا فرزند من مهدی در آن خروج کند و روح خدا عیسی بن مریم فرود آید و در پس او نماز بگذارد و زمین از نور پروردگارش روشن گردد، و فرمانروائی اش مشرق و مغرب را فراگیرد».

ج - جوینی باز هم به سند خود روایت کند که راوی گفت: شنیدم رسول خدا ﷺ می‌فرمود: «أَنَا وَ عَلِيُّ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ تِسْعَةٌ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ مُطَهَّرُونَ مَعْصُومُونَ»  
«من و علی و حسن و حسین و نه نفر از فرزندان حسین پاکیزگان و معصومانیم».<sup>۲</sup>



سیاست حاکم بر مکتب خلفا در طی قرون بر آن بود که امثال اینگونه احادیث را از دسترس ابنای

۱ - ذهبی، رجالی معروف در کتاب «تذکره الحفاظ» ص ۱۵۰۵ درباره او گوید: امام محدث یگانه اکمل، فخرالاسلام، صدرالدین ابراهیم بن محمد بن حمویه جوینی شافعی، شیخ صوفیه، شدیداً نسبت به روایت و گردآوری آن عزای آن عنایت داشت. غازان شاه به دست او اسلام آورد.

۲ - احادیث: الف، ب و ج در کتاب فرائد السمطين، نسخه خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به شماره ۱۱۶۴ و ۱۶۹۰ - ۱۶۹۱، برگه ۱۶۰ آمده است.

امت اسلامی بدور داشته و بر آنها پرده پوشانند. و راستی را که بخش عظیم پیروان این مکتب در این راه، جهاد شایانی کردند، و ما نمونه‌هایی از آن را در بحث و بررسی از «اقدامات مکتب خلفا با نصوص سنت رسول الله ﷺ که مخالف دیدگاهشان بود» در معالم المدرستین آوردیم. و چون در این بحث مجالی برای آوردن آن احادیث نداریم، تنها روایاتی را می‌آوریم که به معرفی امامان دوازده گانه پرداخته است. روایاتی از رسول خدا ﷺ که در آنها متواتراً به اسامی ایشان اشاره و تصریح شده است.

### معرفی امامان دوازده گانه بعد از رسول خدا ﷺ

امام اول: امیرالمؤمنین علی علیه السلام، پدرش ابوطالب بن عبدالمطلب بن هاشم و مادرش فاطمه بنت اسد بن هاشم.

کنیت آن حضرت: ابوالحسن و الحسین، ابوتراب.

لقب آن حضرت: وصی، امیرالمؤمنین.

تولد آن حضرت: در سال سی‌ام پس از «عام الفیل» در بیت‌الله الحرام<sup>۱</sup>، کعبه، به دنیا آمد.

وفات آن حضرت: در سال چهارم هجری به دست عبدالرحمن بن ملجم، - یکی از خوارج - به شهادت رسید و در بیرون کوفه، نجف اشرف، دفن گردید.

امام دوم: حسن بن علی بن ابی طالب - علیه السلام.

مادرش فاطمه زهرا علیها السلام دخت گرامی رسول خدا ﷺ.

کنیه آن حضرت: ابو محمد.

لقب آن حضرت: سبط اکبر، مجتبی.

ولادت آن حضرت: در نیمه رمضان سال سوم هجری در مدینه به دنیا آمد.

وفات آن حضرت: در بیست و پنجم ربیع‌الاول سال پنجاهم هجری به شهادت رسیده و در بقیع، در مدینه منوره دفن گردید.

امام سوم: حسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام.

مادرش فاطمه زهرا علیها السلام دخت گرامی رسول خدا ﷺ.

کنیت: ابو عبدالله.

لقب: سبط، شهید کربلا.

ولادت: سوم شعبان سال چهارم هجری در مدینه.

وفات: در دهم محرم سال ۶۱ هجری به همراه اهل بیت و یارانش در کربلا به دست یزیدیان به

---

۱ - فاطمه بنت اسد، مادر امام علیه السلام، در حال بارداری مشغول طواف بود که درد زایمان به سراغش آمد، در این هنگام درب کعبه گشوده و او داخل شد و فرزندش علی علیه السلام را به دنیا آورد. برای اطلاع بیشتر مراجعه کنید: مستدرک، جلد ۳ ص ۴۸۳. تذکره خواص الامّة، ص ۱۰ و مناقب ابن مغزلی، ص ۷.

شهادت رسید. مزار آن حضرت نیز، هم‌اکنون در کربلا یکی از شهرهای عراق است.<sup>۱</sup>

امام چهارم: علی بن الحسین علیه السلام.

مادرش غزاله یا شاه زنان.

کنیت: ابوالحسن.

لقب: زین العابدین، سجاد.

تولد: در سال ۳۳ یا ۳۷ یا ۳۸ هجری در مدینه.

وفات: در سال ۹۴ هجری به شهادت رسیده و در بقیع جنب عمویش امام حسن علیه السلام دفن گردید.<sup>۲</sup>

امام پنجم: محمد بن علی علیه السلام.

مادرش امّ عبدالله دخت امام حسن بن علی علیه السلام.

کنیت: ابو جعفر.

لقب: باقر.

ولادت: در سال ۵۷ هجری در مدینه.

وفات: در سال ۱۱۷ هجری در مدینه به شهادت رسیده و در بقیع در کنار پدرش زین العابدین علیه السلام

دفن گردید.<sup>۳</sup>

امام ششم: جعفر بن محمد علیه السلام.

مادرش امّ فروه دخت قاسم بن محمد بن ابی بکر.

کنیت: ابو عبدالله.

لقب: صادق.

ولادت: در سال ۷۳ هجری در مدینه.

وفات: در سال ۱۴۸ هجری به شهادت رسیده و در بقیع در جنب پدرش امام باقر علیه السلام دفن گردید.<sup>۴</sup>

امام هفتم: موسی بن جعفر علیه السلام.

مادرش حمیده.

کنیت: ابوالحسن.

۱ - مراجعه کنید: شرح حال ائمه: علی و دو فرزندش حسن و حسین علیهما السلام، حوادث سال ۴۰، ۵۰ و ۶۰ هجری در تاریخ طبری، ابن اثیر، ذهبی و ابن کثیر، و نیز، به شرح حال ایشان در تاریخ بغداد، تاریخ دمشق، استیعاب، أسد الغابه، اصابة و طبقات ابن سعد - چاپ جدید.

۲ - مراجعه کنید: تاریخ ابن اثیر، ابن کثیر و ذهبی، حوادث سال ۹۴ هجری و نیز، به شرح حال امام علیه السلام در طبقات ابن سعد، حلیة الاولیاء، وفيات الاعیان و تاریخ یعقوبی، جلد ۲ ص ۳۰۳ و تاریخ مسعودی، جلد ۳ ص ۱۶۰.

۳ - مراجعه کنید: تذکرة الخفا، ذهبی. وفيات الاعیان، صفوة الصفوة، حلیة الاولیاء، تاریخ یعقوبی، جلد ۲ ص ۳۲۰. تاریخ الاسلام، ذهبی، تاریخ ابن کثیر، حوادث سال ۱۱۵ و ۱۱۷ و ۱۱۸، شرح حال امام باقر علیه السلام.

۴ - مراجعه کنید: شرح حال امام صادق علیه السلام در حلیة الاولیاء، وفيات الاعیان، تاریخ یعقوبی، جلد ۲ ص ۳۸۱ و تاریخ مسعودی، جلد ۳ ص ۳۴۶.

لقب: کاظم.

ولادت: در سال ۱۲۸ هجری در مدینه.

وفات: در سال ۱۸۳ هجری در زندان خلیفه هارون الرشید در بغداد به شهادت رسید و در قبرستان قریش بخش غربی بغداد امروزی، معروف به شهر کاظمیه دفن گردید.<sup>۱</sup>

امام هشتم: علی بن موسی علیه السلام.

مادر: خیزران.

کنیت: ابوالحسن.

لقب: رضا.

ولادت: در سال ۱۵۳ هجری در مدینه منوره.

وفات: در سال ۲۰۳ هجری به شهادت رسیده و در طوس خراسان [ = مشهد ] مدفون است.<sup>۲</sup>

امام نهم: محمد بن علی علیه السلام.

مادر: سکینه.

کنیت: ابو عبدالله.

لقب: جواد.

ولادت: در سال ۱۹۵ هجری در مدینه منوره.

وفات: در سال ۲۲۰ هجری در بغداد به شهادت رسید و در کنار جدش موسی بن جعفر علیه السلام دفن گردید.<sup>۳</sup>

امام دهم: علی بن محمد علیه السلام.

مادر: سمانه مغریه.

کنیت: ابوالحسن عسکری.

لقب: هادی.

ولادت: در سال ۲۱۴ هجری در مدینه منوره.

وفات: در سال ۲۵۴ به شهادت رسید و در شهر سامرای عراق دفن گردید.<sup>۴</sup>

امام یازدهم: حسن بن علی علیه السلام.

مادر: امّ ولد به نام سوسن.

---

۱ - مراجعه کنید: شرح حال امام کاظم علیه السلام در: مقاتل الطالبیین، تاریخ بغداد، وفيات الاعیان، صفوة الصفوة، تاریخ ابن کثیر، جلد ۲ ص ۱۸ و تاریخ یعقوبی، جلد ۲ ص ۴۱۴.

۲ - مراجعه کنید: تاریخ طبری، ابن کثیر، تاریخ الاسلام ذهبی، وفيات الاعیان، حوادث سال ۲۰۳ هجری، تاریخ یعقوبی، جلد ۲ ص ۴۵۳ و مسعودی، جلد ۳ ص ۴۴۱.

۳ - مراجعه کنید: تاریخ بغداد: جلد ۳ ص ۵۴، وفيات الاعیان، شذرات الذهب، جلد ۲ ص ۴۸ و مسعودی، جلد ۳ ص ۴۶۴.

۴ - مراجعه کنید: تاریخ بغداد، جلد ۱۲ ص ۵۶. وفيات الاعیان، تاریخ یعقوبی، جلد ۲ ص ۴۸۴ و مسعودی، جلد ۴ ص ۸۴.



کنیت: ابو محمد.

لقب: عسکری.

ولادت: در سال ۲۳۱ هجری در سامرا.

وفات: در سال ۲۶۰ هجری به شهادت رسیده و در سامرا دفن گردید.<sup>۱</sup>

امام دوازدهم: حضرت حجت بن الحسن - عجل الله فرجه.

مادر: امّ ولد به نام نرجس یا صیقل.

کنیت: ابو عبدالله، ابو القاسم.

لقب: قائم، منتظر، خلف، مهدی، صاحب الزمان.

ولادت: در سال ۲۵۵ هجری در سامرا.

آن حضرت آخرین امام از «ائمه دوازده گانه» است که تاکنون زنده است و روزی می‌گیرد [تا هرگاه

خدا بخواهد - به فرمان خدا - قیام کرده و جهان را پر از عدل و داد نماید].

تنبیه و توضیحی مهم!

در یکی از روایات گذشته آمده بود:

«... دوازده نفر خلیفه از آنان در می‌گذرد و پس از آن فتنه و آشوب می‌گردد».

و در دیگری آمده بود:

«این دین همواره - تا زمانی که دوازده نفر از قریش باقی باشند - استوار و برپاست، و هرگاه از دنیا

بروند زمین اهل خود را فرو می‌برد».

این دو عبارت دلالت بر آن دارند که بعد از دوازدهمین امام از امامان پس از رسول خدا ﷺ، عمر

این عالم پایان می‌یابد. بنابراین، لازم است عمر یکی از این دوازده نفر تا نهایت این دنیا به طول انجامد،

و این چیزی است که اکنون با طول عمر وصی دوازدهم، مهدی آل محمد ﷺ، محمد بن الحسن

العسکری علیه السلام به وقوع پیوسته است. زیرا، مجموعه آن روایات تنها بر امامان دوازده گانه مذکور صادق

بوده و بر غیر ایشان راست نیاید.

والحمد لله رب العالمین

۱ - مراجعه کنید: وفيات الاعیان، تذکرة الخواص، مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول، شیخ کمال طلحه شافعی [ت:

۶۵۴ هـ] و تاریخ یعقوبی، جلد ۲ ص ۵۰۳.